

کلام گزایش امامت مشغول به تحصیل هستم. و جا دارد از خداوند به خاطر تمام مهربانی‌هایش و پدر و مادرم و خواهران عزیزم و تمامی کسانی که در تمامی مقاطع زندگی راه را به من نشان دادند تشکر نمایم.

* چند سال است به کارهای فرهنگی مبادرت دارید و این کارها غیر از مطالعه و نویسندگی چیست؟

- شاید بتوان گفت که ۸ سال است که به کارهای فرهنگی (نویسندگی) و در کنار آن سخنرانی و تدریس برای مردم و آشنایی آن‌ها با مبانی اعتقادی پرداختم.

* به نظر شما فردی که دارای معلولیت است چه عواملی موجب موفقیت او در رشته نویسندگی می‌شود؟

- هنگامی که استاد مهربان و متعهد، به آموزش و تشویق این افراد همت گمارند و اگر در جایی آن فرد به ناکامی رسید و مأیوس شد موتور محرکی باشد که او دوباره بلند شود و به راهش ادامه دهد. تعهد برای توانمندان ماهی دادن به آن‌ها نیست بلکه ماهیگیری یاد دادن است. یادمه وقتی مقاله من در کتابخانه مجلس چاپ نشد آقای شکراللهی به من فرمودند: هر کس شما را نقد می‌کند و کارتان را قبول نمی‌کند شما بیشتر تلاش کن و بهتر شو! و این رمز موفقیت من به همراه تشویق خانواده بود.

* آیا شما مشوق و راهنما داشتید یا خودجوش شروع کردید؟ و چه عوامل و عللی موجب شد تا نویسنده توانا بشوید؟



نمی‌توانستم راه بروم و پدرم خیلی با من تمرین کرد تا بتوانم راه بروم و حتی بدوم. در کودکی عروسک را با پا برمی‌داشتم و این جرقه‌ای بود در ذهن مادرم که مرضیه می‌تواند با پا بنویسد. آن زمان‌ها برای رفتن به مدرسه پدرم می‌خواست مرا در مدارس عادی بنویسد و آموزش و پرورش با ایشان مخالفت کرد و پدرم یک سال در آموزش و پرورش دوندگی کرد تا مرا در مدارس عادی ثبت نام کردند. وقتی کلاس اول مدرسه معاد رفتم بچه‌های کلاس برایم هدیه خریده بودند و خاطره شیرینی از آن دوران در ذهنم ثبت کردند. در دوران مدرسه شاگرد متوسط رو به زنگ بودم و خودم درس را می‌خواندم. در طی دوران تحصیلی تابستانها پولک دوزی و مروارید بافی و گل سازی گل‌های بلند را یاد گرفتم. برادر بزرگترم که خدا رحمتش کند. مرا در کودکی تشویق به کتابخوانی و خلاصه نویسی داستان تشویق کرد. یادمه در دوران راهنمایی مرا تشویق به حفظ قرآن می‌کرد و روز تولد پسر عموم برای منم کادو گرفت و با اینکه آن روز حفظ قرآن بلد نبودم، مرا با مهربانی خود شرمند خویشت ساخت و باعث شد یک جزء قرآن را حفظ شوم و به قرآن و معانی آن علاقه‌مند شوم. در دبیرستان رشته ریاضی تحصیل نمودم و در دانشگاه سما رشته کاردانی کامپیوتر ادامه تحصیل دادم. برای کارشناسی کامپیوتر هم امتحان دادم که مصادف با فوت برادر بزرگم شد و قبول نشدم با این حال در حوزه علمیه واقع در تهران ادامه تحصیل دادم. و کارشناسی خود یا سطح دو حوزه را گرفتم. دو سال برای ارشد در کنکور حوزه در رشته تفسیر شرکت کردم اما قبول نشدم. در این دوران با خانم زهره اعتضاد آشنا شدم و در کلاس تئیس روی میز شرکت کردم و در مسابقات تئیس روی میز بانوان معلولین شهرداری مقام دوم را کسب کردم دوران شیرینی بود. جا دارد از استاد خانم مهدی زاده تشکر کنم. در کتابخانه مجلس تحت نظارت آقای شکراللهی و تشویق ایشان به نوشتن مقاله برای روزنامه و سپس کتاب روی آوردم. اولین مقاله‌ام جلوه‌های عشق در نهضت حسین در روزنامه کیهان به صورت مجانی چاپ شد و مقدمه‌ای برای چاپ مقاله‌های بعدی در روزنامه اطلاعات و بعدها نوشتن کتاب راه و رسم عشق ورزی در آیات الهی شد. در آن سالها مدیر مدرسه عالی آقای امامی کاشانی و شهرداری منطقه ۴ و دبیرستان خودم بخشی از کتابهایم را خریداری کردند و به عنوان نویسنده از من تجلیل شد و باعث شد مدت یک سال در شهرداری به عنوان معلم تفسیر قرآن فعالیت فرهنگی کنم و بعد از آن به ادامه تحصیل در حوزه چیدم مبادرت ورزیدم. هم اکنون در سال دوم در مقطع سطح سه و کارشناسی ارشد در رشته

ارتباط مؤثر با مسئولین، کمک به تقویت شرایط روحی معلولین و غیره.

* جنابعالی الآن چه نوع فعالیت‌هایی دارید؟ - در حال حاضر تحصیل در دوره دکتری مشاوره، انجام مشاوره خانواده، تدریس در دانشگاه، پژوهش و تألیف و ترجمه کتاب مشغول هستم.

مرضیه رجب تهرانی

غفلت از رشته‌های نویسندگی

مصاحبه کننده: محمد نوری

.....

توضیح

اشخاصی مانند خانم مرضیه رجب تهرانی گل سرسید جامعه مسلمان ایران هستند. به رغم نداشتن اعضای از بدن آن هم عضوهای مهم و اساسی ولی دارای افکار بلند، روانی شاداب و متعالی و مهم‌تر خودجوش، پرتلاش و کارآمد هستند. حیف است چنین سرمایه‌هایی را نمی‌شناسیم و به آنها توجه نداریم. اینها سرمایه‌های انسانی این کشور هستند. اگر اندک توجه به اینگونه افراد بشود، تبدیل به منابع جوشان هنری، اقتصادی و فرهنگی می‌شوند.

هر فردی گفت‌وگوی توان نامه را با ایشان بخواند به واقعیت‌های متعالی ایشان پی خواهد برد. از این‌رو از همه مردم، مسئولین و خود معلولین استدعا می‌کنیم این متن را مطالعه فرمایند.

.....

* برای اینکه مردم با فعالیت شما آشنا شوند و متوجه گردند که افراد دارای معلولیت توانایی‌های خاص مثل نویسندگی دارند لطف کنید شمه‌ای از زندگی خود را بفرمایید؟

- اینجانب مرضیه رجب تهرانی متولد ۱۹ بهمن ماه ۱۳۵۸ در تهران به دنیا آمدم و در آغوش پر مهر دو فرشته به نام پدر و مادر در خانواده‌ای مذهبی در کنار سه برادر و دو خواهر پرورش یافتم. پدرم شغل آزاد داشت و مادرم خانه دار. با وجود اینکه فاقد دو دست بودم، آنها بین من و خواهر و برادرانم هیچ فرقی قائل نبودند. در خانواده ما معلولیت مفهومی ناآشنا بود. پدرم معتقد بود: کسی که عقلش اشکال دارد معلول است. من سالمم چون عقلم سالم است فقط دست ندارم... و با این تفکر بزرگ شدم. من در کودکی

- مشوق من آقای شکراللهی و خانواده بودند که جا دارد از پدر و مادر و همه کسانی که مرا در این امر یاری نمودند، تشکر نمایم.

* معلولین چه نابینا یا ناشنوا یا حرکتی می‌توانند در رشته‌های مختلف نویسندگی، مثل روزنامه‌نگاری، مقاله‌نویسی، گزارش‌نویسی، چکیده‌نویسی کتاب، تکس نویسی برای رسانه‌ها و صدا و سیما؛ ویراستاری، نوشتن قطعه‌های تبلیغاتی، مآخذشناسی، مصاحبه و چندین رشته دیگر فعالیت کنند. مستحضر هستید همه این رشته‌ها هم پر پرستیزاند؛ هم درآمدزایی آنها بد نیست؛ هم متناسب با شرایط معلولین می‌باشد یعنی یک معلول بدون خرج زیاد می‌تواند به آنها برسد و تبحر پیدا کند و مهم‌تر اینکه کارش هم همیشه هست. اما چرا معلولین به این رشته‌ها تمایل و علاقه نشان نمی‌دهند؟

- به نظر من شاید به خاطر عدم تشویق خانواده و نادیده گرفته شدن آنها در این مشاغل هم از طرف خانواده به این صورت که فکر می‌کنند فرزندشان چنین استعدادی نداشته باشد و هم جامعه که درک درستی نسبت به توانایی‌های آنها نداشته باشند.

* مشکل کجا است؟ آیا نهادهای متکفل امور معلولین کم کاری کرده و این رشته‌ها را ترویج نکرده‌اند؟ آیا مراکزی که این‌گونه کارها را دارند همکاری نمی‌کنند؟ بالاخره باید این کم کاری‌ها ریشه‌یابی شود؟

- مشکل اصلی عدم اطلاع رسانی از این رشته و درآمد زایی آن است تا توانمندان به این رشته تشویق شوند. همچنین عدم برگزاری این‌گونه کلاس‌ها در این مراکز یا حتی شهرداری‌ها است. در صورتی که می‌توان با برگزاری این‌گونه کلاس‌ها کمک قابل توجهی به پیشرفت این قشر در جامعه چه از لحاظ روحی و مادی چه از لحاظ اجتماعی نمود. با اینکه کمک‌های شایانی برای شناسایی توانمندان در جامعه شده اما این کافی نیست هنوز دید جامعه نسبت به یک توانمند از کار افتادگی و ناتوانی است. باید به جامعه آموزش داده شود که در محدودیت نیز می‌توان نظاره‌گر زیبایی بود. خداوندی که احسن‌الخالقین است با آفرینش این انسانها به دیگران یاد می‌دهد نگاه خود را تغییر دهند و بدانند اگر کسی در ناحیه ای از عضو محدودیت دارد بدون شک در یک یا چند رشته دیگر توانا است. این مسأله را بارها این جامعه ثابت کرده است اما متأسفانه بعضی وقتها چشمی برای دیدن یا بها دادن به این قشر در کنار افراد سالم نیست.

* به نظر شما چرا کسانی مثل شما در این

زمینه تلاش نمی‌کنید مثلاً یک تشکل صنفی از نویسندگان معلول داشته باشید، آموزش دهید، و ده‌ها کار می‌توانید انجام دهید؟

- من خیلی خوشحال می‌شوم این کار را انجام دهم ولی تقاضا از طرف مسئولین نیست اگر هم باشد می‌گویند رایگان کلاسها را برگزار کنید، در صورتیکه ما هم نیاز داریم حداقل مقداری از هزینه‌های خودمان را بتوانیم تأمین کنیم. برای کلاس کامپیوتر و هنری، هم وقت می‌گذارند هم هزینه اما نسبت به تعالی روح آنان هیچ تلاشی نمی‌شود و رشته‌ها را محدود به کارهای نامبرده می‌دانند و برای آموزش نویسندگی ارزشی قائل نیستند.

* تشکل‌ها و سمن‌ها مثل رعد غرب تهران و شعبه‌های آنها روی خیاطی، منبت کاری، صنایع دستی و اینگونه رشته‌ها کار کردند و آموزش دادند و ترویج کردند ولی کوشش جامعه حدی دارد و رشته‌های پر مؤونه هستند یعنی یک معلول در رشته منبت کاری بخواهد مهارت پیدا کند علاوه بر اینکه باید شرایطش را داشته باشد و توانمند باشد، شرایط مالی و حتی امکانات برای تردد باید داشته باشد اما در نویسندگی یک خودکار و چند برگ کاغذ می‌خواهد، هر جا هم می‌توان کلاس برگزار کرد، بسیار کم خرج است. از طرف دیگر همه‌جا کارش هست و نیاز عمومی وجود دارد. بالاخره به نظر شما موانع چیست؟ که تاکنون معلولین سراغ صنایع دستی با آن همه زحمت رفته‌اند ولی سراغ نویسندگی نرفته‌اند؟

- نادیده گرفتن و عدم شناسایی استعدادهای توانمندان همچنین سوق دادن آنها به این کارها از طرف والدین آنها، مسئولین و جامعه.

* خانم تهرانی تا حالا فکر کرده‌اید نوشتن گزارش کتاب شغل بسیار پر درآمد و می‌تواند حداقل درصد معتناهایی از معلولین ایران را مشغول به کار کند. یعنی نوشتن چکیده برای کتب برای نشریات و برای مقالات مهم و حتی برای پایان‌نامه‌ها. برای مثال سایتی مثل آمازون یا گوگل هر ماه حداقل هزار عنوان کتاب جدید را معرفی می‌کند. تعدادی از این آثار فارسی است و افراد دارای معلولیت می‌توانند آنها را تولید کنند. یا سایت‌های مستقر در ایران هم کار چکیده‌نویسی دارند. چرا تاکنون این رشته مورد توجه قرار نگرفته است؟

- کوچک دیدن این قشر چه از طرف صدا و سیما و شهرداری و این مراکز. در این زمان وظیفه مسئولین سنگین است. آنها علاوه بر فراهم آوردن جوی شاد برای این قشر شایسته

است روی اعتقاد توانمندان و خانواده‌های ایشان کار شود و فقط به تدریس قرآن بسنده نشود تا توانمندان از شرایط جسمی خویش ناراحت نشوند و به افسردگی نگریند. بلکه راه به آنها نشان داده شود. و ماهیگیری در دریای شور و شیرین (رفتار مناسب در شرایط مختلف زندگی) به آنها آموزش دهند. و درباره این رشته و درآمدزایی آن تبلیغ شود.

* در پایان نکته و سخنی برای گفتن دارید بفرمایید.

- خداوند متعال، همه‌ی انسان‌ها را آزمایش می‌کند، اما آزمایش و امتحان همه یکسان نیست. تمام جهان، صحنه آزمایش و تمام مردم حتی پیامبران نیز مورد امتحان قرار می‌گیرند. وقتی با ازدواج، خانواده کوچکی شکل می‌گیرد در هر برهه از زمان مشکلات مختلفی سر راه آنها قرار می‌گیرد و اعضاء خانواده برای رویارویی با سختی‌های زندگی می‌توانند مشکل را وسیله نابودی خویش سازند یا با صبر و تدبیر آن را به نفع خود تغییر دهند. مشکلات نه تنها آدمی را نابود نمی‌کند، بلکه بسیاری از موفقیت‌ها، در لابلای ناگواری‌های زندگی است. هیچ جواهری بدون صیقل براق نمی‌شود و هیچ فردی بدون تحمل سختی‌ها به کمال نمی‌رسد. مشکلات، گوه‌های نابی هستند که وجود آنها نه برای نابودی بلکه برای ساختن انسان است. با وجود کمبودهاست که به کمال خواهد رسید و این اوست که قادر است، از مشکلات ظاهری موقعیتی برای صعود به قله‌های موفقیت بسازد.

چکیده کتاب:

یکی از زیباترین داستان‌هایی که در قرآن نقل شده و به «احسن‌القصص» تعبیر شده داستان «عشق» است که در آن به ترسیم عالی‌ترین روش عشق‌ورزیدن و تبدیل شدن «عشق ظاهری» به «عشق حقیقی» پرداخته است. زبان قرآن همان زبان عشق است؛ زیرا قرآن، پیام خدای معشوق به انسان‌های عاشق است. کتاب راه و رسم عشق‌ورزی در آیات الهی کتابی است که به بررسی مفهوم و انواع آن و بیان محبوب حقیقی انسان و مصادیق عشق ورزی به خدا و انعکاس این عشق در زندگی، از منظر آیات و روایات به زبانی ساده پرداخته است. امید که مقبول طبع مردم صاحب‌نظر شود.